



طب مکمل طب دیگر و طب نوین

دکتر محمدرضا توکلی صابری

معمول و مرسوم (conventional medicine) که پزشکی نوین (modern medicine) نیز خوانده می‌شود، چند دهه‌ای است که پزشکی دیگری رواج یافته است که به نام‌های گوناگونی مانند طب مکمل، (complementary medicine) طب دیگر (alternative medicine)، و طب یکپارچه (integrative) خوانده می‌شود. این طب شامل روش‌های درمانی گوناگونی است که در دوران‌های مختلف تاریخی در جوامع ابتدایی و یا پیشرفته جریان داشته است. از روش‌های درمانی بسیاری از جوامع ابتدایی آفریقایی مانند خواندن اوراد و رقصیدن برای دور کردن شیاطین ایجادکننده بیماری‌ها، روش‌های درمانی شامان‌های (shaman) آمریکایی که شامل طبل زدن و خواندن اوراد است، اعمال وودوهای (voodoo)

طب نوین و یا طب مرسوم حاصل دو هزار و پانصد سال انباشت تجربه بشری است. از بقراط شروع شده و به نقشه‌برداری از ژنوم انسان انجامیده است و حاصل اندیشه و تجربه مردان بزرگی همچون بقراط، جالینوس، زکریای رازی، ابن‌سینا، پاستور، فلمینگ، واتسون و کریک است. دستاوردهای پزشکی و داروسازی در پنجاه سال گذشته مهم‌تر، مؤثرتر، دقیق‌تر و علمی‌تر از دستاوردهای دانشمندان جهان در دو هزار و چهارصد و پنجاه سال گذشته است. این از اهمیت کار دانشمندان و پزشکان گذشته نمی‌کاهد. اگر بخواهیم این پیشرفت را نمایش دهیم به شکل مخروطی است که رأسش رو به پایین و قاعده‌اش رو به بالاست و روز به روز به ارتفاع و قطر قاعده مخروط افزوده می‌شود. در کنار این پزشکی

هائیتی و یا آفریقای غربی، تا شیوه‌های قلانی‌تر مانند طب‌سوزنی چینی و یا طب آیو وردای هندی، شیاتزو و ریکی ژاپنی، کریستال درمانی، بادکش انداختن، زالو درمانی، عطر درمانی، آب درمانی، و شیوه‌های قدیمی رایج در غرب مانند مغناطیس درمانی، ناتروپاتی، رفلکسولوژی هومیوپاتی، استئوپاتی و کایرو پراکتیس و شارلاتانیسم محض مانند انرژی درمانی و فرادرمانی متفاوت است. این شیوه‌ها بر مبنای سنت‌های تاریخی و یا فرهنگی ملل گوناگون بوده و بنیان علمی ندارند. عنوان طب مکمل و طب دیگر نام‌های بی‌مسمایی هستند، زیرا چیزی به پزشکی نوین نمی‌افزایند که مکمل آن باشند و یا راه‌های دیگری را عرضه دارند که مؤثرتر و کارآمدتر از پزشکی و داروسازی نوین باشد.

پزشکی مرسوم یا نوین پزشکی به استفاده از روش علمی از دل طب سنتی کشورهای گوناگون در آمده است. داروهای مهمی مانند آسپیرین، آفدرین، دیگوکسین، کینیدین و تاکسول داروهایی هستند که با استفاده از روش‌های مدرن شیمیایی و داروسازی از گیاهان دارویی به‌دست آمده‌اند و بسیار مؤثرتر، قوی‌تر و قابل کنترل و اندازه‌گیری‌تر از گیاهان حاوی این داروها هستند. پزشکی کنونی مبنی بر مدرک و سند (evidence-based medicine) است، یعنی دانش بنیاد و مدرک بنیاد است. شیوه طب نوین استفاده آگاهانه، روشن و عاقلانه از بهترین شواهد و مدارک موجود برای تصمیم‌گیری در مورد مداوای بیماران است. به عبارت دیگر ارایه بهترین خدمات درمانی بر اساس بهترین مدارک و شواهد موجود. این شواهد با انجام آزمایش‌های علمی دقیق به‌دست

می‌آیند. طب مکمل و طب دیگر مبتنی بر ادعا (claim-based evidence)های ثابت نشده است. طب مکمل عبارت است از استفاده از روش‌ها و شیوه‌های درمانی تاریخی که گاهی حتی به علت مصلحت سیاسی، مشکلات اجتماعی و سنت‌های فرهنگی رواج یافته است. مانند هوموپاتی که در دوران نازی‌ها به‌عنوان طب آلمانی ترویج می‌شد و طب سوزنی که در دوران مائوتسه دون به‌عنوان طب چینی ترویج می‌شد و در هر دو مورد سیاستمداران می‌خواستند، طب ملی و مستقلی ایجاد کنند که جدای طب غربی باشد. غافل از این که طب غربی یا طب نوین خود حاصل جمع تجربیات تمام جوامع بشری است. در بعضی جوامع، مانند هند و یا بعضی کشورهای آسیایی و آفریقایی نبودن بودجه کافی برای خرید داروهای گران امروزی که تولیدکنندگان آن معمولاً غربی هستند، از عوامل دیگر رویکرد به طب مکمل و طب دیگر گراست. دست‌اندرکاران طب مکمل و طب دیگر معمولاً به گذشته تاریخی پزشکی بر می‌گردند و می‌خواهند روش‌های ناکارآمد گذشته را به‌کار بگیرند. آن‌ها به علت فلسفی، سیاسی، فرهنگی، عقیدتی به آن روی می‌آورند، بدون آن که به اثربخشی شیوه‌های درمانی آن توجه کنند. آن‌ها به فرآیند پژوهش علمی اهمیت نمی‌دهند، آن را نمی‌فهمند و با وجود اسناد و مدارک و شواهد متعدد آن‌ها را نادیده گرفته، به دنبال طب مکمل می‌روند که بر پایه شیوه‌هایی است که زمانی تصور می‌شده کارآمد هستند اما امروزه با روش‌های علمی و دقیق نشان داده شده است که تأثیر درمانی ندارند. اگر هم با روش‌های علمی ثابت شود که مؤثرند، دیگر

از فیزیولوژی و بیماری‌ها مبتنی است و تأثیر کمی داشته و یا اصلاً تأثیری نداشته است.

■ تعریف

طبق تعریف بنیاد علوم آمریکا (National Science Foundation) که بزرگ‌ترین سازمان سیاستگذاری علمی در آمریکا است و بر سازمان‌های علمی آمریکا نظارت دارد، تعریف طب کل نگر (holistic medicine) یا طب مکمل (complementary medicine) و یا طب دیگر (alternative medicine) عبارت است از «تمام روش‌های درمانی که با استفاده از روش‌های علمی (scientific methods) ثابت نشده است که مؤثر هستند». موسسه پزشکی (Institute of Medicine) آمریکا که زیر مجموعه آکادمی علوم آمریکا است طب دیگر و طب مکمل را چنین تعریف کرده است: «رویکرد غیر غالب به پزشکی در یک فرهنگ معین و در یک دوره تاریخی معین». ریچارد داوکینز زیست‌شناس و متفکر انگلیسی طب دیگر را این‌گونه تعریف می‌کند: «یک رشته اعمال که نمی‌شود آن‌ها را آزمود، از آزمایش شدن امتناع می‌ورزند و پیوسته در این آزمایش‌ها رد می‌شوند». بسیاری از سازمان‌های بهداشتی و درمانی کشورهای اروپایی مانند انگلستان نیز تعریف‌های مشابهی را ارایه داده‌اند.

تنها روشی که می‌تواند آن‌چه را که به نام طب مکمل و طب دیگر معروف است به‌عنوان یک روش درمانی مورد پذیرش حرفه پزشکی قرار دهد، انجام آزمایش‌های پزشکی به روش علمی است که در پزشکی نوین معمول است. علاوه بر آن، آن‌چه

جزو طب مکمل نیستند و جزو طب نوین خواهند شد. البته باید توجه داشت که طب مکمل و طب دیگر یک صنعت ۴۰ میلیارد دلاری در جهان است و فشار صناعی که در کشورهای غربی از این طب استفاده می‌برند و آن را ترویج می‌کنند، نباید نادیده گرفته شود.

ما که وارث یک طب سنتی هزار ساله هستیم باید با استفاده از ابزارها و روش‌های علمی شیوه‌های کارآتری برای استفاده از آن پیدا کرده و کاربردهای جدیدتری برای آن پیدا کنیم. اکنون که شیوه‌های غیرعلمی و داروها و روش‌های بیهوده از طریق ترجمه کتاب‌ها و مطبوعات غربی، جایگاه‌های اینترنتی و ماهواره‌های فراوان شده است، جا دارد که به این موضوع توجه شود و هزینه و وقت بیماران و پژوهشگران روی روش‌های بی‌فایده و بی‌اثر منحرف نشود. وقت و هزینه‌ای که بیماران می‌توانند برای داروها و روش‌های مفیدتر صرف کنند. وقت و هزینه‌ای که پژوهشگران باید در مراکز جدی علمی مانند انستیتو پاستور، مرکز سلول‌های بنیادین، مرکز همانندسازی و دیگر مؤسسات پژوهشی و دانشگاهی کشور صرف کنند. موسسه ملی بهداشت آمریکا در اثر فشار بعضی سیاستمداران در طی یک دوره ده ساله گروهی را مأمور تحقیق در مورد طب مکمل کرد، ولی نتیجه پژوهش‌های آن‌ها در مورد کارآمدی طب مکمل منفی بود. گروهی از برجسته‌ترین دانشمندان و دست کم چهار برنده جایزه نوبل از این موسسه خواسته‌اند که مرکز پژوهش‌های طب مکمل و طب دیگر را در این موسسه تعطیل کند، چون بخش عظیمی از این پژوهش‌ها بر مبنای فهم نامرسوم

به عنوان مکمل و یا طب کل نگر در نشریات سازمان بهداشت جهانی آمده است نه به عنوان تأیید این روش ها از نظر پزشکی است، بلکه به عنوان توضیح اطلاعاتی در زمینه های فرهنگی ملل مختلف است و این ملیت های مختلف برای حل مشکل خود چه روش هایی را به کار می برند. همین طور سازمان هایی که روی طب مکمل و طب دیگر (CAM) complementary and alternative medicine تحقیق می کنند هیچ حقانیتی در مورد صحت ادعاهای آن هایی که به کسب درآمد در طب مکمل و طب دیگر مشغول هستند ایجاد نمی کند، بلکه نشان می دهد که این سازمان به عنوان موضوع تحقیقاتی به این موضوع علاقمند است. اگر روزی روش های آن ها به شیوه علمی ثابت شود، آن وقت جزو طب نوین یا جاری در می آید.

باید دانست که هرگونه روش درمانی، مانند دارودرمانی، روان درمانی، روش های پزشکی و یا روش های خرافی تقریباً تا حدودی در تخفیف و تسکین هر بیماری مؤثر است، اما آن ها را شفا نمی دهد. یک فرد بی اطلاع ممکن است به راحتی این موضوع را باور کند که یک بیماری ممکن است در اثر یک روش غیر پزشکی شفا یابد. در حالی که هر بیماری یک دوره معین شدت و ضعف و یک سیر طبیعی دارد (دوره کمون، بروز، استقرار، شدت، و بهبود) و به اصطلاح بالا و پایین می رود و پیشرفت و پسرفت دارد.

مشاهده و تجربه شخصی و گواهی فردی، چه پزشک و چه بیمار، در مورد یک دارو به ندرت به عنوان دلیل تأثیر آن دارو و یا روش درمانی پذیرفته می شود. البته ممکن است که این مشاهده

و تجربه شخصی مبنای آزمایش های علمی برای اثبات و یا رد داروها و روش های درمانی باشد، اما به تنهایی هیچ گاه نباید به عنوان مدرک و دلیل اثربخشی یا ایمنی یک دارو پذیرفته شود. در حالی که در طب مکمل معمولاً به گفته های پزشکان بزرگ تاریخ و گواهی و تجربه فردی بها داده می شود، اما یک شیوه درمانی و یا دارویی باید بدون توجه به اعتبار، تخصص و یا شخصیت کسی که چنین تجربه یا مشاهده ای را داشته است، صحت داشته باشد. فقط توسط آزمایش های کنترل شده و دقیق و یا آزمایش های علمی است که تأثیر یک دارو ثابت می شود. در طب مکمل هیچ گاه به این روش های جدید علمی بهایی داده نمی شود.

کارآیی پزشکی نوین در این است که شیوه های متعددی برای تعیین کارآمدی و اثربخشی یک روش درمانی یا دارو پیدا کرده است و این شیوه های پژوهش سلاح پر قدرتی در اختیار پزشکی نوین گذاشته است که با آن به آسانی می تواند همه ادعای پزشکی را آزمایش کند.

بسیاری از ادعاهای شفای بیماری های توسط شیوه های معروف به طب مکمل و یا طب دیگر فاقد یک یا چندین شرط فوق هستند. تاکنون نتیجه همه به اصطلاح تحقیقات انجام شده در مورد کارآیی طب مکمل نشان داده است که اگر تأثیری داشته است، در حد اثر دارونما یا پلاسبو بوده است و یا تأثیر جزئی و کمکی داشته است و بیماری پس از مدت کوتاهی دوباره برگشته است. این نوع تأثیر در حیطه دانش پزشکی و روان پزشکی مورد مطالعه قرار گرفته و حد و حدودش مشخص شده است.

مانند قانون اثربخشی داروهای هومیوپاتیک در اثر رقیق شدن، قانون درمان مشابه با مشابه که هیچ اصل فیزیولوژیکی وجود ندارد که چنین چیزی را نشان دهد. هوموپات‌ها با توجه بیشتر به مشکلات جسمی و روحی بیمار بیشتر پرستاری می‌کنند تا طبابت. قوانین هوموپاتی نیز برخلاف قوانین فیزیک (قانون رقت‌ها، حافظه آب، زدن ضربه برای افزایش خاصیت فاماکولوژی)، قوانین شیمی (افزایش اثر فیزیولوژیک با کاهش غلظت، عدم قبول عدد آوگادرو، نبودن هیچ مولکولی از ۳۰ غلظت به پایین) زیست‌شناسی و فارماکولوژی (عدم قبول پذیرنده‌ها، اصل درمان مشابه با مشابه) است. هم‌چنین است رابطه دیابت و یا زخم معده با مستقیم بودن ستون فقرات در کایروپراکتیس. در مطالعات انجام شده توسط دست‌اندرکاران طب مکمل هیچ‌گاه گروه کنترل یا شاهد به کار گرفته نمی‌شود. مثل است که کسی یک نظریه جدید بدهد مبنی بر این که اگر به کودکان چیزی جز پنیر ندهید، قد آن‌ها بلندتر می‌شود. پس از سه سال قد این گروه کودکان را که فقط پنیر خورده‌اند اندازه بگیرید و بگویید که بلی قد آن‌ها بلندتر شده است و بنابراین پنیر در بلندتر شدن قد مؤثر است! در حالی که باید گروه دیگری از همان کودکان را در گروه سنی مشابه به‌عنوان کنترل به‌طور هم‌زمان مطالعه کرد که به آن‌ها هیچ‌گاه پنیر داده نمی‌شود و سپس نتیجه رشد این دو گروه را با هم مقایسه کرد.

■ روش علمی آزمایش داروها و درمان‌های پزشکی در طب نوین

در طب نوین داروها و روش‌های درمانی در مراحل مختلف آزمایش می‌شوند که عبارتند از:

۱- آزمایش و پژوهش در لوله آزمایش

۲- آزمایش روی حیوانات

۳- آزمایش روی انسان

معمولاً یک دارو یا روش درمانی پس از اولین مرحله کشف تا تولید و ورود به بازار ۱۲ سال طول می‌کشد و هزینه‌ای برابر یک یا دو میلیارد دلار دارد. مرحله کشف ۳ سال و مرحله آزمایش‌های بالینی ۹ سال طول می‌کشد.

متأسفانه داروها و روش‌های رایج در طب مکمل هیچ‌گاه چنین فرآیندی را طی نمی‌کنند و سازمان‌های بهداشتی کشورها بر کار آن‌ها نظارت ندارند و همگی خارج از سیستم پزشکی کشورها تولید و مصرف می‌شوند. اطلاعات مربوط به شیوه‌های طب مکمل توسط تولیدکنندگان و فروشندگان محصولات طب مکمل تهیه شده و به فروش می‌رسد. ادعاهای مربوط به اثر شیوه‌ها و داروهای طب مکمل هیچ‌گاه با روش‌های جدی و دقیق و علمی پزشکی نوین آزمایش نشده و اگر شده است، پاسخ مثبت نداده است. روش‌های طب مکمل چنان غیرعقلانی و خارج از شیوه‌های مرسوم و پذیرفته شده است که هیچ پزشک و پژوهشگری آن‌ها را جدی نمی‌گیرد.